

تک برگی راه کار گر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سردبیر: آرش کمان گر یکشنبه 20 مهر ماه 1382 - 12 اکتبر 2003 شماره 173

پیرامون اولتیماتوم آژانس بین المللی انرژی هسته ای!

قسمت دوم
آرش کمانگر

در بخش اول این نوشته اشاره شد که کشور ما بدلیل برخورداری از منابع متنوع انرژی - بویژه گاز طبیعی - نیازی به فعالیت خطرناک و پر هزینه هسته ای ندارد و سیاست هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی برای ایجاد و تکمیل نیرو گاه هسته ای بوشهر، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی، اقدامی کاملاً منفی و بی معنی بوده است. بخصوص که در شرایط حاضر، کنترل چنین فعالیتی بدست یک رژیم کاملاً ماجراجو، بنیادگرا، تروریست و ارتجاعی افتاده است که با تمام امکانات خود، چهار نعل بسوی دستیابی به بمب و تسلیحات اتمی پیش می رود. پیدا شدن نشانه هایی از غنی سازی اورانیوم در " نیروگاه نظنز" و نیز " کارخانه کالای الکتریکی" که تا حدی مورد اعتراف نماینده رژیم در آژانس بین المللی انرژی هسته ای نیز قرار گرفته و بعلاوه اخبار مربوط به استخدام دهها کارشناس هسته ای از کشورهای شوروی سابق، بروشنی نشان میدهند که این رژیم در اوج انزوای داخلی و بین المللی، میخواهد از طریق ایجاد یک " سپر اتمی" از خود در مقابل " دشمنان" محافظت کند. بویژه که تجربه چین و کره شمالی نیز پیش روی این رژیم است که با داشتن تسلیحات اتمی و ترساندن متحدان آمریکا در منطقه، ظاهراً خود را در برابر فشارها و زیاده طلبی های " ژاندارم جهان" (آمریکا) واکنش نموده و برای خود "فرجه بقاء" خریده اند. به همین خاطر مقامات رژیم اسلامی دیگر ترجیح میدهند که هر نوع پنهان کاری، در مورد تلاش حکومت برای دستیابی به تکنولوژی غنی سازی اورانیوم (که معنای آن بی نیازی به کلوپ قدرت های اتمی و شروط دشوار آنها جهت تحویل سوخت هسته ای خواهد بود) را کنار بگذارند

ادامه در صفحه 2

در عصر ترور طبل های جنگ به صدا در آمده اند

ناووم چامسکی
ترجمه: نصرالله قاضی

پس از شوکهای ناشی از انتحارهای انفجاری در بغداد، اورشلیم، نجف و حوادث هولناک دیگری که بعد از واقعه سپتامبر از سر گذرانده ایم، راحت تر میتوان پذیرفت که چرا بسیاری امروز معتقدند که جهان وارد "عصر ترور" هولناکی گردیده است. یادآوری کنم که این عنوان مجموعه ای است از مقالات و نوشته های محققین دانشگاه ییل به اضافه عده ای دیگر. بهر حال دو سال از 11 سپتامبر میگذرد و ایالات متحده هنوز با ریشه های تروریسم برخورد نکرده، بیشتر به چنگ پرداخته تا به صلح و پیگیرانه به مخاصمه جوئی بین المللی خود ادامه داده است. در 11 سپتامبر بسیاری از مردم جهان با شوک به این واقعه نگرستند و همدردی خود را به قربانیان آن ابراز داشتند. ولی باید بخاطر داشت که در برخی از نقاط، نوع دیگری از عکس العمل دیده شد، دیگری بودند که گفتند " به جمع ما خوش آمدی". برای اولین بار در تاریخ، یک قدرت غربی در معرض آنگونه بیرحمی ای قرار میگرفت که برای آن " دیگران" بسیار آشنا و ملموس بود.

ادامه در صفحه 3

تسلیم کمیته مرکزی سازمان کارگران
انقلابی ایران (راه کارگر)
به مناسبت فوت اندوهبار
پدر ابراهیم زاده
در صفحه 4

مجازات اعدام لغو باید گردد
در صفحه 4

جامعه و حقوق کودکان

شهناز بیات

شانزدهم مهر ماه روز جهانی کودک است. سال 1954 مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ای اختصاص یک روز از سال را به عنوان روز جهانی کودک تصویب کرد. تا کنون شمارکشورهایی که روز جهانی کودک را برگزار می کنند از 50 به 150 کشور افزایش یافته است. کودکان آینده سازان جامعه هستند. سرمایه و نیرویی که صرف بارور کردن کودکان شود نتیجه خود را بلاواسطه در ساختن جامعه ای بهتر نشان خواهد داد. بلعکس سهل انگاری و رفتارهای نسنجیده و برخوردهای حساب نشده در ارتباط با کودکان، جامعه ای بیمار، پر تنش و جرم و جنایت را به دنبال خواهد داشت.

نونهالانی هستند که ما بزرگترها می توانیم آنها را شاداب، استوار و ایستاده قامت و پیر شاخ و بار پرورش دهیم و یا خمیده و در هم شکسته و بی بار و برگ. ادامه در صفحه 5



شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل شد
در صفحه 4

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران
انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت حکم
اعدام افسانه نوری
در صفحه 6

پیرامون اولتیماتوم آژانس بین المللی انرژی هسته ای! آرش کمانگر

ادامه از صفحه 1

و آشکارا از زبان وزیر امور خارجه خویش (کمال خرازی) اعلام دارند که شرط پیوستن ایران به پروتکل الحاقی، برخورداری این حکومت از حق داشتن تکنولوژی غنی سازی اورانیوم می باشد. مقامات آمریکایی نیز که "دست رژیم را خوانده اند" و با تکیه به ارزیابی کارشناسان شان معتقدند که جمهوری اسلامی تنها دو سال با دسترسی به تسلیحات اتمی فاصله دارد، به شدت با صدور چنین جوازی مخالفند و از تمام نفوذ خود در آژانس بین المللی، استفاده می کنند که مانع چنین امری شوند. ضمن اینکه رژیم اسرائیل نیز با اشاره به بمباران مراکز اولیه رژیم عراق برای فعالیت های هسته ای در نیمه دهه 80 میلادی، علناً به جمهوری اسلامی هشدار میدهد که هدف گیری مراکز اتمی ایران را جزئی حیاتی از حفظ امنیت خود میدانند. بنابراین بعید است که آمریکا و متحدینش، دست از پیگیری اولتیماتوم خود بردارند، حتی اگر همچون نمونه های افغانستان و عراق، جنگ خانمانسوز دیگری را بر مردم منطقه و مشخصاً ایران تحمیل کنند. در چنین شرایط حساس و بحرانی، دهن کجی آپارات اصلی رژیم اسلامی به تهدیدات جنگی و اولتیماتوم آژانس بین المللی، برآستی یک خود کشی و حماقت سیاسی محض تلقی می شود. در چنین فضایی که توازن قوا- چه در منطقه و چه در سطح بین المللی - به شدت به ضرر حکومت ایران است، حتی اگر نه جمهوری اسلامی بلکه یک رژیم مردمی نیز سر کار بود، ناگزیر از عقب نشینی و اتخاذ یک تاکتیک تنش زدا بود.

چرا که تن دادن به بازرسی های بی حساب و کتاب و تحقیر آمیز کارشناسان آژانس بین المللی، هر چند با اصل برابری همه ملت ها در برابر قوانین و منع هر نوع تبعیض در رابطه با کشورها، مغایر است، اما در برابر سناریوی شوم جنگ و به خطر افتادن جان و مال مردم و هست و نیست کشور توسط غارتگران و جنگ سالاران امپریالیست، برآستی هیچ است. به تاریخ معاصر که نیز

نگاه می کنیم، نمونه های متعددی از این نوع عقب نشینی ها و تاکتیک ها را مشاهده می نمائیم. قبلاً انعقاد "صلح" برست لیتوفسک در دوره لنین، بین روسیه و آلمان که بخشهای وسیعی از خاک روسیه پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر 1917 در اشغال امپریالیست تجاوز کار آلمان باقی می ماند، نمونه ای از این نوع سازش ها بود تا در بطن اوضاع داخلی و بین المللی بحرانی آن دوره، برای تداوم حکومت نو پای شوراها فرجه بقاء بخرند. همان موقع شماری از تندروهای حزب بلشویک، به بهانه کمک به انقلاب جهانی و از جمله انقلاب در آلمان، مخالف عقد چنین قرار داد "خفت باری" بودند و شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی!!" را سر میدادند. نمونه دیگر بحران معروف به "خلیج خوکها" در دهه 60 میلادی (در دوره ریاست کندی در آمریکا و خروشچف در شوروی) میباشد. کوبای انقلابی پس از رهایی از رژیم دیکتاتوری و آمریکایی "باتیستا" بطور مداوم هدف توطئه های و کینه توزیهای آمریکا بود، لذا برای حفاظت از خود، اقدام به استقرار شماری از موشکهای دور برد اهدائی شوروی نمود.

این مسئله ضمن برانگیختن خشم آمریکا و آغاز محاصره دریائی کوبا، نزدیک بود جهان را وارد یک جنگ ناخواسته دیگر کند. طبعاً هم به خاطر حفظ صلح جهانی و هم به خاطر نجات کوبا از محاصره، چاره ای جز این وجود نداشت که موشکهای اهدایی شوروی بر چیده شوند. بنابراین مسئله این نیست که فشارهای آمریکا و متحدانش از حقانیت برخوردار است (که طبعاً نیست و جلوه مشمنز کننده ای از نظام بین المللی مبتنی بر تبعیض سیستماتیک علیه کشور های ضعیف محسوب می شود) مسئله روز این است که در توازن قوای موجود، نباید با دست خود بهانه لازم را به امپریالیست های جنایتکار و چپاولگر بدهیم که منافع ملی مردم کشور ما را به زیر سنوآل ببرند. بعلاوه "سری که درد نمی کند را چرا دستمال ببندیم!" اگر قصدی برای تولید سلاحهای اتمی وجود ندارد، قاعدتاً نباید هراسی هم از هیچ نوع بازرسی داشته باشیم. "آنکس که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است!" در ثانی، اینوع ماجراجوئیها، نه تنها مبارزه با امپریالیسم نیست، نه تنها نظام جهانی

مبتنی بر نابرابری های سیاسی، ملی و طبقاتی را به چالش نمی گیرد، بلکه دقیقاً در خدمت منافع متجاوزان و و جاده صاف کن فزون طلبی های آنهاست. برای مقابله با چنین مناسبات بین المللی ناعادلانه ای، صلاح ما نه در سلاح، بلکه در جهانگیر کردن صدای ماست! با کورس گذاشتن برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی، نه تنها نمیتوان چنین سیستمی را به زیر سنوآل برد، بلکه حتی نمیتوان همفکری و همراهی افکار عمومی بین المللی را که عمدتاً مدافع صلح و آزادی و استقلال ملت ها هستند، جلب نمود، بالعکس در نبرد "تسخیر افکار عمومی" از امپریالیست ها و زرادخانه تبلیغاتی آنها شکست خواهیم خورد. بعلاوه درست است که یک دوجین از کشورها مجهز به سلاح اتمی هستند، درست است که آمریکا از طریق یک هژمونی نظامی بلامنازع، میخواهد بساط امپراتوری بی رقیب خود را بر کل جهان بگستراند، ولی پاسخ آن نه بیراهه دستیابی به سلاح اتمی، میکروبی، شیمیایی و بلکه در راه انداختن یک کارزار وسیع بین المللی در دفاع از استقلال، آزادی، برابری، صلح و خلع سلاح کامل همه کشورها است هیچ بمبی، به اندازه سلاح جنبش توده ای میلیاردها انسان آزادیخواه و برابر طلب، قوی و پر قدرت نیست. انرژی ساطع شده از چنین جنبشی، میلیونها بار از تشعشعات مرگبار هر بمب اتمی بیشتر است.

بنابراین برای مقابله با نظام بین المللی مبتنی بر تبعیض و زورگویی، چاره کار نه وارد شدن در میدان مورد دلخواه امپریالیست ها، بلکه در گریز از آن و تحمیل و تعیین میدان مورد دلخواه ما برای مبارزه با آنهاست، این اما از عهده رژیمی که "دشمن داخلی" آن بیشتر از "دشمن خارجی" آن است و از مردم جویای آزادی و رهایی اش بیشتر از زورگویان خارجی میترسد، بر نمی آید. بهترین و مناسب ترین راه خلاص شدن از خطر مداخلات امپریالیستی در امور کشورمان، رها شدن از شر رژیم ماجراجو و استبدادی جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران است، از چنین جنبش و انقلاب مردمی و مستقلی است که آمریکا هراس دارد. آری! با وجود جمهوری اسلامی، آمریکا شانس بیشتری برای توجیه حضور خود در منطقه و ادامه سیاست های جنگ طلبانه خود، خواهد داشت

پایان اکتبر 2003

در عصر ترور طبل های جنگ به صدا در آمده اند

ناثوم چامسکی
ترجمه: ن. قاضی

ادامه از صفحه 1



ای که از پیونگ یانگ تا بغداد " کشیده شده است نام برد. برنامه های بوش در سال گذشته و امسال افزایش تهدید در درون و اطراف این کمر بند نامطمئن بوده است.

استراتژی امنیت ملی مبنی بر آنست که آمریکا - به تنهایی- حق دارد که به " جنگهای بازدارنده " بپردازد: جنگهای باز دارنده و نه جنگ طلبی. جنگهای باز دارنده بعنوان "بزرگترین جنایت" در دادگاه نورنبرگ تقبیح شده است. از اوائل سپتامبر سال قبل دستگاه بوش شروع به تبلیغاتی نمود مبنی بر اینکه صدام حسین یک خطر جدی برای آمریکا ست ، و اشاره داشت که صدام با القائده و واقعه یازده سپتامبر رابطه دارد. این هجوم تبلیغاتی کمکی بود برای بوش تا حمایت مردم وحشت زده را برای حمله به کشوری بی دفاع حاصل نماید. در عوض دستاورد این عمل ، حضور در کشوری بود که در قلب سیستم انرژی جهان جای دارد. ماه مه گذشته پس از به اصطلاح پایان جنگ عراق ، جرج بوش روی عرشه ناو هواپیما بر ابراهام لینکلن اعلام کرد که " با برکناری یکی از متحدان القاعده به یک پیروزی در جنگ علیه ترور " دست یافته است. با رسیدن 11 سپتامبر امسال جرج بوش هیچ دلیل قابل قبولی که ناظر بر رابطه بین صدام و دشمن وی عصام بن لادن باشد عرضه نکرده است. تنها رابطه بین پیروزی وی و تروریسم این است که حمله به عراق باعث جلب عده بیشتری به سازمان القاعده شده و تهدید تروریسم افزایش یافته است.

وال استریت ژورنال درست تشخیص داد وقتی که نوشت نمایش خوبی طراحی شده بوش در ناو ابراهام لینکلن " شروع

مبارزات انتخاباتی وی برای سال 2004 " بوده است. این همان چیز است که کاخ سفید امیدوار است و میخواهد " انتخابات آینده را هر چه بیشتر حول امنیت ملی " سازمان دهد. چنانچه دستگاه بوش اجازه دهد مسائل داخلی در انتخابات آمریکا خود را نشان دهند با مشکل عظیمی روبرو خواهد شد. در عین حال بن لادن هنوز دستگیر نشده است. کسانی که بیماری سیاه زخم را پس از یازده سپتامبر به عامل وحشت مردم تبدیل کرده بودند هنوز شناخته نشده اند و تصور اینکه این عوامل در درون آمریکا بسر میبرند شکست را برجسته تر میکند. سلاحهای کشتار جمعی عراق نیز هنوز پیدا نشده اند.

در دومین سالگرد 11 سپتامبر و از این تاریخ به بعد فقط دو راه برای ما وجود دارد. آن طور که نویسندگان نطق های رئیس جمهور می نویسند و از اسطوره های باستانی و داستانهای کودکان موضوعاتی را به عاریت میگیرند ، میتوانیم با اطمینان خاطر پیش برویم و امیدوار باشیم که مسئولین جهانی نیروهای شر را نابود خواهند کرد. یا میتوانیم دکتترین های دوران جدید را زیر دقت خود قرار داده ، به نتایج واقعی تر برسیم و شاید واقعیت امر را پیدا کنیم. جنگهایی که تحت نام جنگ بر علیه ترور تا بحال صورت گرفته اند برای مدتی دیگر ادامه خواهند یافت. جرج بوش سال قبل گفت " نمیتواند پیش بینی کند که برای تامین آزادی در داخل کشور به چند جنگ دیگر احتیاج دارد ". درست است که تهدید های جدی بشمارند اما بی قانونی و خشونت دستگاه بوش دلیلی است برای جدی تر شدن این تهدید ها. میدانیم که آقای امی ایالون بین سالهای 1996 تا 2000 ریاست شین نت - سازمان امنیت سراسری اسرائیل- رابعده داشته است ، اما میتوانیم این گفته وی را که بدلائل خیلی روشنی کلی است را نیز بفهمیم. او میگوید، بدون برخورد با دردهای مردم " کسانی که خواهان پیروزی " علیه تروریسم هستند در واقع " خواهان جنگهای بی پایانند".

جهان حق دارد با ترس و اضطراب نگران برنامه های واشنگتن باشد. انسانهایی که برای تخفیف ترس و وحشت موجود در دنیا در بهترین موقعیت جهانی قرار دارند و میتوانند راه را برای آینده ای امیدوار تر و سازنده تر باز کنند مردم آمریکا هستند. آنانند که میتوانند آینده خود را شکل دهند.

برای درک وقایعی که از آن تاریخ تا امروز صورت گرفته باید از زاویه قدرت آمریکا بدان نگریست - چگونه عکس العمل نشان داده و از این پس چه خواهد کرد. در طول سال اول ، افغانستان مورد حمله قرار گرفت. کسانی که بلافاصله ملاک های معنوی را پذیرفتند حال باید توضیح دهند که چرا آمریکا و انگلیس حق داشته اند مردم افغانستان را بمباران کنند و افغان ها را مجبور نمایند جنایتکاران مظنون را به آنان تحویل دهند. همان دلایل رسمی که در شروع بمبارانها عرضه میشد. سپس در سپتامبر 2002 قدرتمند ترین دولت جهان " استراتژی امنیت ملی " جدید خود را اعلام کرد، روشن کرد که برتری جهانی خود را برای همیشه حفظ خواهد کرد. هر گونه سرکشی ، با قدرت جواب داده خواهد شد، البته در ابعادی که شایسته قدرت مطلقه آمریکاست.

در همین حال طبل های جنگ برای حرکت در آوردن مردم آمریکا بقصد حمله به عراق بصدا درآمد. همزمان ، مبارزه برای انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا آغاز شد ، زیرا باید مشخص میشد که دستگاه رهبری قادر است برنامه های داخلی و بین المللی خود را به پیش ببرد. در آخرین روزهای سال 2002 کارشناس برنامه های خارجی آمریکا، مایکل کرپون نوشت "خطرناکترین وضعیت از زمان بحران موشکی کوبا در سال 1962 تا بحال " در حالیکه آرتور شلزینگر بحران کوبا را " خطرناکترین لحظه در تاریخ انسان " نامیده بود. نگرانی کرپون از وجود سلاحهای هسته ای در " ایران، عراق و کره شمالی و شبه قاره هند " بود و آن را به نام " کمر بند نا مطمئن سلاحهای هسته

شیرین عبادی

برنده جایزه صلح نوبل شد

از میان ۱۶۵ نامزد سرشناس دریافت جایزه صلح نوبل، خانم شیرین عبادی، نویسنده و وکیل مدافع حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان به دلیل تلاش های خستگی ناپذیرش، این جایزه جهانی را به خود اختصاص داد.

ژان پل دوم رهبر کلیسای کاتولیک جهان و اسلاو هاول رئیس جمهور سابق جمهوری چک از دیگر نامزدهای جایزه صلح نوبل امسال بودند.

خانم شیرین عبادی اولین قاضی زن ایرانی است که پس از انقلاب بدلیل سیاستهای زن ستیزانه جمهوری اسلامی از کار برکنار شد.

وی از پیشگامان دفاع از حقوق زنان و کودکان است و برای

تغییراتی در قوانین طلاق و ارث به سود زنان، تلاشهای فراوانی کرده است. او بدلیل دفاع از حقوق موکلینش، در جمهوری اسلامی دستگیر و مدتی را در زندان بسربرد و تهدیدهای مکرر به جانش او را از انجام وظایف انسانی باز نداشت.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی موفقیت خانم شیرین عبادی را موفقیتی برای تمامی ایرانیان آزادیخواه، بویژه زنان می داند. بدون شک پیروزی خانم شیرین عبادی شکست مفتضحانه حکومتی است که در تهاجم به حقوق زنان در صدر حکومت های مرتجع جهان قرار دارد.

این افتخار به کام خانم عبادی، مبارزه حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان شیرین باد.

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی

متشکل از: حزب دموکرات کردستان ایران

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

15 مهرماه 1382

مجازات اعدام لغو باید گردد.

دهم اکتبر روز جهانی لغو مجازات اعدام است. بدین خاطر در تمام کشورهای جهان، گروههای طرفدار حقوق انسانی در تلاشند که حکومت ها و دولت های جهان را تشویق به لغو این مجازات غیر انسانی و این جنایت سازمان یافته حکومتی کنند. تاکنون در بسیاری از کشورهای جهان این مجازات لغو شده است. اما در ایران، چین، آمریکا، عربستان سعودی و بسیاری از کشورهای اسلامی، این جنایت حکومتی در حال اجراء است. در جمهوری اسلامی ایران، تنها در ظرف همین سال 84 نفر اعدام شده اند.

اینک در تهران یک زن 34 ساله بنام زینت السادات در تهران بدار آویخته شده و فرد دیگری بنام "فرزاد" پس از تحمل 174 ضربه شلاق در لرستان بدار آویخته می شود. این در حالیست که "افسانه نوری" پس از 6 سال زندان، در انتظار مجازات اعدام است. به این ترتیب مائشین آدمخواری ولایت فقیه، در حال خونریزی و کشتار است و قاضیان و بازجویان و دادستان ها و زندانبانان اسلامی در هر گوشه و کنار، در هر شهر و دیار این کشور در حال قتل و

جنایت اند و جنایت حکومتی را برای حفظ و بقای نظام ضد بشری و مرد سالار اسلامی بنام خدا و اسلام و قصاص به اجرا گذارده اند.

بی تردید، دهم اکتبر، روز جهانی مبارزه برای لغو مجازات اعدام، روزی است برای انسانی تر شدن جهان ما، برای ارزش گذاری به انسان و زندگی، برای پایان دادن به خشونت و انتقام و ترور و برای جهانی است که برای انسان است و حقوق او برای زندگی به رسمیت شناخته می شود.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر خود را در این مبارزه جهانی علیه خشونت و ترور و اعدام، همراه و همگام و هم رزم میلیونها انسانی می داند که علیه این جنایت سازمان یافته حکومتی و برای جهانی آزاد و رها از قید و بند استبداد و ارتجاع و امپریالیسم می جنگند و تمام تلاش خود را برای سازمان دادن یک کمپین همیشگی و پایدار برای حفظ حقوق انسان و علیه اعدام و شکنجه بکار خواهد بست.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر

جمعه ۱۰ اکتبر 2003

تسلیت کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مناسبت فوت اندوهبار پدر ابراهیم زاده

سازمان ما فوت اندوهبار پدر ابراهیم زاده را، که در روز پنج شنبه دهم مهر از میان ما رفت، به خانواده و اعضای سازمان ما، که سالهای طولانی و حتی سالها قبل از ایجاد سازمان ما و نزدیک به چهار دهه با او و در برابر در زندان های رژیم های شاه و ولایت فقیه آشنا بوده اند، تسلیت میگوید. پدر ابراهیم زاده، با درگیری طولانی فرزندانش در مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم ولایت فقیه و به ویژه دکتر غلام حسین ابراهیم زاده، از بنیان گذاران و از اعضای کمیته مرکزی سازمان ما که قهرمانانه در سال 1362 در مبارزه ای نابرابر علیه درّخیمان رژیم اسلامی جان سپرد، یکی از چهره های آشنای برای فعالان جنبش آزادی خواهانه و سوسیالیستی و خانواده های زندانیان سیاسی در ایران بود.

سازمان ما یاد پدر ابراهیم زاده را برای تحمل سالهای طولانی مرارت و مشقت و محرومیتی که رژیم های شاه و ولایت فقیه به او تحمیل نمودند و پایداری شرافتمندانه او در برابر این مرارت ها و محرومیت ها گرامی می دارد.

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سه شنبه پانزدهم مهر ماه هزار و سیصد و هشتاد و دو

جامعه و حقوق کودکان

شهناز بیات

دنباله از صفحه 1

خانواده نخستین و اصلی ترین جایی است که کودک نیازهای خود را، اعم از فیزیکی یا عاطفی و روحی و روانی، از آن بدست می آورد خانواده جامعه ای کوچک است که کودک همزیستی با دیگران را از آنجا می آموزد. بعد از خانواده مدرسه خانه دوم کودکان است. خانواده و مدرسه جدا از جامعه ای که در آن زندگی می کنیم نیستند آنچه در خانواده و مدرسه پرورش داده می شود تأثیرش را در جامعه خواهد گذارد و جامعه نیز بازتاب های فرهنگی، هنجارها و ناهنجارها و اثرات اقتصادی اش را در خانواده و هم مدرسه نشان می دهد.

طبق تعریف جهانی از کودک همه افراد زیر 18 سال کودک محسوب می شوند. کودکان و نوجوانان تا 18 سال بیشترین تأثیر را خانواده و مدرسه می گیرند و این دو نهاد این نهال را برای زندگی آینده و ساختن جامعه شکل می دهند کودکان به عنوان مجموعه ای از انسان و بشر و انهم مجموعه ای که نیاز به حمایت ویژه دارد، سالهای زیادی است که مورد توجه مجامع مدافع حقوق بشر بوده است. کنوانسیون حقوق کودک از زیر مجموعه های کنوانسیون حقوق بشر است. از آنجا که کودکان در شناخت و کسب حقوق خود توانایی ندارند و در صورت تضییع حقوقشان نیز نمی توانند به مراجع ذیصلاح مراجعه کنند این کنوانسیون این امکان را می دهد که به صورت قانونی حقوق کودکان پیگیری و اعاده شود.

ایران از جمله کشورهایی است که کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته است. ده سال از پیوستن ایران به این کنوانسیون میگذرد ولی هر سال نه تنها شرایط برای کودکان بهتر نشده بلکه هر روز شاهد افزایش شمار کودکانی می شویم که از حداقل زندگی و آسایش نیز بی بهره هستند.

دولت ایران هیچ کوششی در لغو قوانینی که حقوق کودکان را رسماً ضایع می کنند نکرده است. قوانین مربوط به حضانت کودک، قوانینی که به پدر اجازه ضرب و جرح و قتل فرزند را می

دهند قوانینی که اجازه می دهند کودکان دختر نابالغ را مزدوج کنند. علاوه بر اینها فشار اقتصادی، بی عدالتی، عدم توزیع منابع و ثروت به صورت تورم و گرانی و از سوی دیگر بیکاری فزاینده، خانواده ها را از تأمین حداقل ها برای عزیزانشان ناتوان و مأیوس کرده و می کند. خانواده ها از هم گسیخته میشوند. چه بسیار نونهالانی که قبل از پایان کودکی یعنی زیر 18 سال خرید و فروش شده اند و حتی از کشورهای عربی سر در آورده اند. هیچ حمایتی از کودکانی که خانواده هایشان توانایی نگهداری آنها را ندارند نمی شود.

کودکان که باید از خانواده عشق و ورزیدن و محبت کردن را بیاموزند مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و در کشاکش زندگی چگونه جان بدر بردن را می آموزند. آزار کودکان بصورت تحقیر و طرد گرفته، تا ضرب و جرح و قتل و آزار جنسی پدیده ای است که در ایران رایج است و تا زمانیکه شاکای خصوصی وجود نداشته باشد پیگیری نمی شود. امضای کنوانسیون تا زمانیکه اراده ای پشت آن نباشد به تنهایی نمی تواند تغییری در روال معمول و موجود بدهد. روزنامه همشهری 13 مهر به بهانه روز جهانی کودک مقاله ای داشت که در آن در خصوص کودک آزاری که توسط خانواده اعمال می شود چنین آورده شده است: «بهتر است به جای مجازات پدر و مادری که خود آگاه یا ناخودآگاه طفل خود را مورد اذیت و آزار قرار می دهند، در این جهت حرکت کنیم که اگر پدر و مادری صلاحیت نگهداری کودک خود را ندارند مسئولیت حضانت را از آنها بگیریم و آنها را به کانون و موسساتی که مسئولانه با کودکان برخورد میکنند تحویل دهیم. چون این مسئله بر کسی پوشیده نیست که کودکی که در یک خانواده نابهنجار بزرگ می شود، قطعاً در آینده دچار مشکلات عدیده ای خواهد شد» ایندست از مطالب که در نشریات ایران منعکس می شوند و خواستار حضور و دخالت جامعه در نگهداری کودکان می شوند، نشان می دهند که شعور و درک جامعه ما در سطح

بالایی قرار دارد و به تبع آن نشان می دهد که قانون اساسی و مدنی ایران بسیار زیاد از خواست و درک جامعه ما عقب تر است. قوانین مبتنی بر فقه و نهادهای مبتنی بر این قوانین به خود اجازه نمی دهند در اعاده حقوق کودکان قدمی بر دارند. جمهوری اسلامی که در مسائل شخصی مردم دخالت مستمر و همیشگی داشته از تفتیش عقاید گرفته تا کنترل بر خواندن صیغه، هیچگاه نخواستند در اعاده حقوق کودکان دخالت کند بلکه خود مجوز ظلم و ستم و آزار را فراهم نموده است.

کشورهای توسعه یافته بر اساس اصول علمی می دانند برای داشتن جامعه ای موفق و با جرم و جنایت کمتر باید روی کودکان سرمایه گذاری کرد. با حمایت قانونی و حقوقی و تخصیص امکانات مالی نسل آینده را بیمه می کنند. در ایران اما حقوق کودکان به عنوان انسان و بشر هیچگاه مورد توجه دولتمداران نبوده است. کودکان سرمایه های جامعه هستند و جامعه باید در شکوفا و بارور شدن نسل آینده مسئولیت به عهده بگیرد. کودکان متعلق به جامعه هستند و نه مایملک خصوصی افرادی مانند پدر یا امثالهم.

خانواده به عنوان زیر مجموعه ای از جامعه وظیفه دارد با تأمین نیازهای روحی و جسمی کودک به استقلال و شکوفایی او کمک کند و هر جا که خانواده این کارکرد خود را از دست داده و قادر به انجام وظیفه نبود وظیفه جامعه است که آینده کودکان این خانواده ها را تأمین کند.

متأسفانه دولت حاکم بر ایران هیچ دغدغه ای در مورد حقوق کودکان ندارد. نه تنها توجهی به خانواده نمی کند بلکه مدرسه ها هم ازین توجه بی بهره اند و از کمترین امکانات مالی برخوردار نیستند تا لاقول کمی از رنج و کمبودهای کودکان بکاهند. حقوق زنان و مادران که اولین مربیان کودک هستند مورد تعرض است حقوق و منزلت معلمان محلی از اعراب ندارد. پدران کارگر ماهها دستمزد دریافت نمی کنند و یا از محل کار اخراج می شوند. منطق حاکم بر ایران منطق تأمین و تضمین قدرت و سود برای عده ای قلیل است. حقوق مردم، رنجهای آنان و آینده شان مسئله رژیم ایران نیست. دستیابی به جامعه عاری از ظلم و بی عدالتی نیاز به یک حکومت برخاسته از مردم دارد. حکومتی غیر مذهبی و غیر اندولوژیک و دمکرات و پایبند به اجرای حقوق بشر، می تواند مدافع و مجری کنوانسیون حقوق کودک باشد.

شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل شد

شیرین عبادی، اولین قاضی زن ایران، که از قضاوت در ایران اسلامی محروم است؛ برنده جایزه صلح نوبل سال 2003 شد.

کمیته نروژی جایزه نوبل در بیانیه ای که در این باره انتشار داده اعلام کرده که جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی تعلق می گیرد. خانم عبادی سالیان درازی برای دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران مبارزه کرده است؛ خصوصاً تلاش وی در مبارزه با ستمی که بر زنان و کودکان در ایران می رود، ستودنی است. این کمیته خانم عبادی را فرد شجاعی توصیف کرد که هرگز نسبت به تهدید به جانش اعتنا نکرده و همواره به صراحت به عنوان یک وکیل، قاضی، نویسنده و فعال حقوق بشر در ایران و در خارج از کشور صحبت کرده است.

اگر چه گزینش های پیشین در اعطای صلح نوبل، به اعتبار آن در محافل مترقی و پیشرو جهانی لطمه زده است؛ اما با توجه به تأثیر این گزینش در افکار عمومی جهان، امید می رود که اعطای این جایزه به خانم عبادی، بتواند توجه جهانیان را بیش از پیش به مسئله حقوق انسانی در ایران، خصوصاً نقص حقوق زنان و کودکان جلب کند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر ضمن تبریک به خانم شیرین عبادی و همه فعالین دفاع از حقوق بشر، خصوصاً حقوق زنان و کودکان، انتظار دارد که جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم ایران، بتواند از این فرصت برای بلندکردن پرچم آزادیخواهی و برابر طلبی بهره گرفته حمایت نیروهای ترقیخواه و انسان دوست جهانی را در مبارزه با رژیم اسلامی جلب نماید.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر

جمعه 10 اکتبر 2003

18 مهر ماه 1382

**رسوائی از پس رسوائی**

رژیم جمهوری اسلامی از رسوائی قتل زهرا کاظمی خلاصی نیافته است که با طرح جنایتکارانه اعدام افسانه نروژی، در آستانه جنایت دیگری قرار گرفته است. افسانه نروژی، زنی که برای دفاع از جسم و روان خود، که مورد تجاوز رئیس نیروهای انتظامی کیش قرار گرفته بود، در دفاع از خود مجبور به قتل او شده است. حال در بیدادگاه های رژیم اسلامی به اعدام محکوم گردیده و در چند قدمی مرگ قرار دارد. برای مقابله با این عمل رژیم که از ماهیت زن ستیزی و ضد انسانی آن نشأت می گیرد، با بسیج افکار مترقی جهان و پرتو افکنی بر این جنایت، دست رژیم اسلامی را در مقابل چنین عملی کوتاه سازیم و رژیم رسوائی جمهوری اسلامی را رسواتر سازیم.

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر ضمن محکوم کردن چنین حکمی برای افسانه نروژی، خواهان آزادی بی قید و شرط او می باشد.

کمکهای مالی

آیدا- پاریس - 100 یورو
حیدر زاغی- پاریس-100 یورو
دوستان تورنتو- کمک به رفیق
پناهنده-100 دلار کانادا
آرش- کمک به رفیق پناهنده-
100 دلار کانادا
حیدر زاغی - 64 یورو

رادیو برابری

رادیو برابری هر شب ساعت هشت و نیم بوقت ایران (شش عصر بوقت اروپای غربی) بر روی ماهواره با مشخصات زیر برنامه پخش می کند:

Satellite: Hotbird 613East

Freq:12597 GHz

Transponder: 94

Symbol Rate :27500

Fec:3/4

CHannel :GBTS Feed ½

Right side of dual audio channel

شما میتوانید برنامه های هر روز را بصورت ضبط شده از طریق شبکه جهانی اینترنت، در

آدرس زیر نیز گوش دهید:

www.radiobarabari.net

با ما ارتباط بگیرید

arash@funtrivia.com

سر دبیر تک برگه

public@rahekargar.net

روابط عمومی سازمان

0049 -40 -6777819

تلفن عمومی سازمان

00 33-1-43455804

شماره فاکس سازمان

www.rahekargar.etn

آدرس سایت راه کارگر

www.etehadchap.com

آدرس سایت اتحاد چپ کارگری ...

www.radiobarabari.net

آدرس سایت رادیو برابری

آدرس صندوق پستی سازمان. BP 195 75563 Paris cedex 12 France